

## سیل الاقصی ، سیلی سرخ کودکان و رسوا بی بازی کودکانه



سیل الاقصی، سیلی سرخ کودکان و رسوا بی بازی کودکانه [1]

مهدی شمقداری

در همان روزهای آغازین عملیات «طوفان الاقصی» در حاشیه موج جهانی حمایت از غزه مظلوم و مقندر، بویژه در میان مسلمانان، ندای‌های متفاوت نیز شنیده می‌شد! یکبار از زبان عالمی در طاهر اهل‌سنّت می‌شنویم که: «حماس شرور و جنگ طلب است» و یکبار از زبان روحانی به طاهر شیعه می‌شنویم: «حماس دشمن ما در نزاع سوریه بوده است»! گاه آن یکی می‌گوید: «حماس را فضیل است» و گاه دیگری می‌گوید: «حماس ناصبی است»!

آن طرف می‌گوید: «خون مسلمین را هدر می‌دهد»، این طرف می‌گوید: «حماس با شیعیان غزه درگیر است»! آن یکی، حکم عدم جواز حمایت از حماس را صادر می‌کند! این یکی، شبکه می‌کند که «حماس، خیره‌سر است و ما را داخل دردرس انداخته است»! صدالبته که این دهان‌ها رسوا شدند و خیلی زود از فریاد به پج

پچ فروکش کردند!

در سوی دیگر این صحنه، آنچه دیده می‌شود استفاده از فرصت یک مساله واقعی برای هم جبهگی امت است.

فلسطین این محور اساسی برای وحدت، زمینه پیوند در مرز «طربیل» عراق شد. عشاير و شیوخ عرب، از شیعه و سنی در مرز اردن، تجمع کردند؛ با هم شعار دادند، با هم نماز خوانند، با هم راه را بستند، هم سفره شدند و پیوندهای ملی و امتی خود را تحکیم کردند. یکبار سنی امامت می‌دهد و یکبار شیعه، یکبار شیعه مهمان سفره سنی می‌شود و یکبار سنی مهمان شیعه. یکبار سنی رجز می‌خواند و یکبار شیعه و هر کدام می‌خواهد جانش را برای دیگری و برای فلسطین فدا کند!

«طفان الاقصی» سیلی بزرگوارانه کودکان غزه بود تا ما مسلمانان از هپرتوت دعواهای کودکانه پا در میدان رزم بزرگان بگذاریم؛ تا دوباره به یادآوریم که «اسلام» ما منوط به یاری مظلومان است، منوط به دشمنی با مستکبرین است و وابسته به مقاومت در برابر شیاطین پیدا و پنهان است! البته از قدیم گفته‌اند: «آدم خواب را می‌شود بیدار کرد اما کسی که خود را به خواب زده، نه!».

باید آگاهانه خود را در این مسیر پیدا کنیم و گرنم همان می‌شود که آن واعظ غزاوی گفت: «به من گفتند که امت باید برای غزه نماز غایب بخواند، گفتم: غزه باید برای امت، نماز غایب بخواند!».

[1] «طوفان» در عربی به معنای «سیل» است و مفهوم طوفان در زبان فارسی، معادل «عاصفه» در زبان عربی نیست، بنا براین معنای «طوفان الاقصی» نیستشود «سیل الاقصی».